

با یک دست سرور است و با یک دست اسکلهای سالن سوره

رسوایی های اخیر در وزنه برداری ایران با افشای دوپینگ سعید علی حسینی و امید نایب، ورزش سستی ایران را متزلزل کرده است. قرار بود در این شماره گفتگویی با این دو قهرمان وزنه برداری داشته باشیم اما خودشان مایل بودند که مصاحبه آنها در شماره آینده چاپ شود. دلیل آنها نیز این بود که یکی از مسوولان فدراسیون گفته است: اجازه دهید اینها هر چقدر می خواهند مصاحبه کنند، انگار که در باد صحبت کرده اند و...

با این توضیح ترجیح دادیم این هفته گفتگویی با منوچهر برومند، قهرمان سابق تیم ملی وزنه برداری انجام بدهیم تا کمی بیشتر از دلیل بحرانی شدن وضعیت فدراسیون آگاه شویم.

است دیگر. من نمی دانم به عنوان یک ورزشکار قدیمی و پیر چه کار کنم و چه بگویم؟ وقتی از مایشات دار دوپینگ را نشان می دهد، اعلام می کند و محروم می کنند، این دیگر نشانه انجام یک کار خلاف است. این خلاف را چه کار باید کرد؟ من نمی دانم. در این کار مانده ام.

دور سوایی اخیر دوپینگ ایران، امید نایب و سعید علی حسینی هستند؛ یکی از آن ها می گوید که آمپول دوپینگ را به زور به او تزریق کرده اند و دیگری هم می گوید که اصلا دوپینگ نکرده است. از سوی دیگر، فدراسیون جهانی وزنه برداری رسماً اعلام می کند که تست دوپینگ این دو مثبت بوده است. کل مساله را چگونه ارزیابی می کنید؟

روز سه شنبه در یک میهمانی ناها، با پیر مردان و پیشکسوتان ورزشی دور هم جمع بودیم. در یک روز نامه ورزشی خواندم که آقای علی حسینی - که پدرش عزیز حسینی از وزنه بردارهای زمان من بود من افتخار استادی ایشان را داشتم - مصاحبه کرده، خود را پاک می داند و می گوید که آزمایش ارادار او را عوض کرده اند و مصرف این دارو به او مربوط نیست.

حال باید چه کسی بررسی کند؟ چه کسی باید به این حقیقت برسد؟ خدا شاهد است که من مانده ام.

مساله دیگری که در جهان ورزش خیلی به ندرت دیده می شود، اتفاقی است که در کادر سرپرستی فدراسیون وزنه برداری ایران رخ داد. تنها دور و پس از اخراج سرمربی تیم های ملی وزنه برداری ایران، (حسین رضازاده)، به عنوان رییس جدید فدراسیون وزنه برداری ایران برگزیده می شود. کسی به عنوان عضوی از خانواده وزنه برداری کشمی را دیده اید که از این مساله تعجب نکرده باشد؟

والله باید خندید عزیز دل من! (با خنده) اتفاقات پیش از وی، من عضو کمیته فنی فدراسیون بودم. کمیته فنی فدراسیون، کمیته تیم ملی مربیان را منحل می کند. یعنی مادر جلسه ای کمیته تیم ملی مربیان را منحل کردیم که در رأس آن، جناب آقای رضازاده بود. بعد از مدت کوتاهی، دیدیم که آقای افشارزاده وی را به جای خود، به عنوان سرپرست فدراسیون انتخاب می کند. این باعث تعجب است و نمی دانم چه باید بگویم؟ من یاد نمی رود که اولین گروه ورزشکارانی که خدمت امام خمینی (ره) را رسیدیم، ما وزنه بردارها بودیم. دو ماه پس از آن که ایشان تشریف آوردند و هنوز در قم بودند، ما وزنه بردارها، مرحوم نامجو، همه ی پیشکسوتان قدیمی و قهرمانان روز به خدمت ایشان رسیدیم. صحبت های آقای خمینی (ره) در این دیدار جالب بود و باعث تعجب ما شد. آقای خمینی (ره) گفتند: «من ورزشکار نیستم، ولی ورزشکارها را دوست دارم». بعد هم گفتند: «فرزند من! سعی کنید قهرمان نباشید، پهلوان باشید.» وقتی پهلوان را تجزیه تحلیل کنید؛ یعنی سلامتی، درستی و انسان بودن مانند غلامرضا تختی که ۱۷ دی سالگردش بود.

امروز ورزشکارانی هستند که تعداد مدال هایشان بسیار بیشتر از آقای تختی است، ولی چنین محبوبیتی که ایشان در میان مردم داشت و دارد را نمی بینیم. اگر ما هم توانستیم در راستای پهلوانی و حقیقت و درستی باشیم، خدمت کرده ایم. و گر نه اگر بخوایم باندیایی که ممکن است در آن هزاران کلک و افتضاح باشد، راه بیقیمت، به این افتضاحی می کشد که امروز کشیده شده است.



چرا وزنه برداری ایران به وضعیت امروز دچار شده است؟

شما از من می خواهید راجع به ورزشی که سال هادر آن زحمت کشیده ام و قهرمان آن بوده ام، صحبت کنم. می دانید که من عمرم را در این رشته گذرانده ام. ۱۲ سال عضو تیم ملی وزنه برداری ایران، هفت سال سرمربی تیم های ملی ایران و هم چنین اولین رییس فدراسیون وزنه برداری پس از پیروزی انقلاب بودم. عمر من در این رشته گذشته است. خوانا خواه بعد از این همه سال، آدم تعصب دارد. بالاخره زحمت کشیده و کار کرده است. آن چه که در دنیا معمول شد و به کشور ما هم کشیده شد، مساله دوپینگ است. متأسفانه این دارو دوپینگ به وسیله یک مربی بلغاری به ورزش ما ورشته و نه برداری کشیده شد. این مربی و خانم او که از تحصیل کرده های بیوشیمی بود، بعد از کنار رفتن من، از سوی فدراسیون وزنه برداری ایران دعوت به کار شدند و به رشته وزنه برداری آمدند که آن را بسازند. اما این آقای

بلغاری و خانم اش، ورزش ما را متأسفانه گرفتار و آلوده کردند. انشاءالله عزیزان، دوستان و آدم های باشرف و انسان بتوانند کاری کنند که این لکه ننگ از این ورزش پاک شود.

درست است که دارو و مواد دوپینگ را کسانی وارد وزنه برداری ایران کرده اند، اما از سوی دیگر خود وزنه بردارها و دیگر مسئولین فدراسیون وزنه برداری ایران نیز باید خودشان هم دوپینگ پذیر بوده باشند و گر نه کار به این جاها نمی کشید. نظر شما چیست؟

بله، اشتباه این بوده که فدراسیون آن زمان نمی بایست بدون مطالعه و بدون اطلاع افرادی را بیورد که نه تنها باعث افتخار مملکت نمی شوند، بلکه باعث ننگ می شوند. اما این اشتباهی بود که فدراسیون و مسئولین انجام دادند. این آقایان هم آمدند و وزنه برداری ما را مورد آزمایش قرار دادند و متأسفانه دوپینگ وسعت و گسترش پیدا کرد. الان هم تا دوپینگ را ریشه کن، تصفیه و این کار را نابود نکنیم، به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید.

شما چه راه حل کوتاه مدتی را برای از میان برداشتن این دردسر پیشنهاد می کنید؟

متأسفانه بعضی از آقایانی که گاه گاهی مسئولیت می گیرند و کار می کنند، به این نتیجه رسیده اند که ما بدون دوپینگ و دارو نمی توانیم به مقام قهرمانی برسیم. در این باره من با خود مسئولین برخورد کردم و متوجه شدم بعضی از دست اندر کاران و متخصصان این رشته و برخی از مسئولین آن به این نتیجه ی اشتباه رسیده اند که حتما باید دارو دوپینگ باشد تا ما قهرمان شویم. مسئولین ورزشی ما باید کسانی را که چنین طرز فکر، روش و مسابقه کاری را دارند، طرد کنند. مسئولیت را از آنان بگیرند و کار را به دست آدم های باوجدان و باشرف بسپارند؛ کسانی که انسان هستند و می خواهند سلامت ورزش را حفظ و خدمت کنند.

هر عقل سلیمی می داند که در مسابقات بین المللی وزنه برداری همیشه تست دوپینگ انجام می گیرد. یعنی کسی که دوپینگ باشد، به قول معروف میجاش گرفته می شود. چرا با این وجود، دوپینگ در وزنه برداری ایران در مسابقات بین المللی هم تا این حد رونق دارد؟

تا افرادی که اعتقادشان برای ورزش و قهرمانی، دوپینگ و دارو است طرد نشوند، این افتضاحات و آبروریزی خواهد بود. باید این ننگ را از ورزشی که اولین افتخارات را برای ورزش مملکت به ارمان آورد و در قهرمانی و گرفتن مدال پیشتاز بوده است، پاک کرد. باید مسئولین اراده کنند، تصمیم بگیرند، تصفیه کنند و آدم های گرفتار و آلوده را از این ورزش دور کنند.

آیا این پند، نصیحت و گفته های شما در وضعیت امروز وزنه برداری ایران، در میان مسئولین ورزش ایران گوش شنوایی را پیدا کرده است؟

اگر گوش شنوایی پیدا می کرد (با خنده)، ادامه دوپینگ طرد و نابودی می شد.

اگر این حرف های منطقی، در جامعه ی ورزش ایران و در بین مقامات مسئول ورزش کشور گوش شنوایی ندارد، پس ادامه فعالیت حرفه ای در ورزش ایران، فعالیت قهرمان گرایی در ورزش ایران دیگر چه معنایی دارد؟

چه باید بگویم؟ اوقتی نگاه می کنیم و می بینیم که آلودگی دارو این ورزش و سابقه ورزشی ما ابراحتی نابود کرده و دارد نابودی می کند و هنوز هم ادامه دارد، باعث تأسف